

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)  
سال یازدهم، شماره ۳۰، بهار ۱۳۹۸

## بازنمایی خود و دیگری در رمان فارسی: خود ایرانی و دیگری غیر ایرانی در سه رمان تنگسیر، سووشون و همسایه‌ها<sup>۱\*</sup>

نیلوفر آقاابراهیمی<sup>۲</sup>  
فرهاد ساسانی<sup>۳</sup>  
فرزان سجودی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۱۵

### چکیده

چگونگی بازنمایی خود و دیگری، همواره در کانون توجه پژوهشگران عرصه‌های گوناگون و به طور ویژه، نشانه‌شناسی و تحلیل گفتمان، بوده است. هدف پژوهش حاضر، بررسی چگونگی بازنمایی خود ایرانی و دیگری غیر ایرانی در رمان‌هایی است که در سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۸ به رشته تحریر

<sup>۱</sup> شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2018.14927.1314

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نیلوفر آقاابراهیمی با عنوان «بازنمایی خود و دیگری در رمان معاصر فارسی» با راهنمایی دکتر فرهاد ساسانی و دکتر فرزان سجودی است.

<sup>۲</sup> دانشجوی دکترا، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه الزهراء؛ niloofarebrahimi88@yahoo.com

<sup>۳</sup> دکترای تخصصی زبان‌شناسی، دانشیار گروه زبان‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء (نویسنده مسئول)؛

fsasani@alzahra.ac.ir

<sup>۴</sup> دکترای تخصصی زبان‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشکده هنرهای کاربردی دانشگاه تهران؛ sojoodi@art.ac.ir

در آمده‌اند. همچنین، این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که آیا در رمان‌های این دوره، تقابل خود/دیگری با تقابل فرهنگ/نافرهنک همپوشانی دارد یا خیر. از رمان‌های پرشمار این دوره، سه رمان تنگسیر (Chubak, 1963)، سوشون (Daneshvar, 1969) و همسایه‌ها (Mahmoud, 1973)، به سبب حضور پررنگ دیگری غیر ایرانی در آن‌ها، انتخاب شدند. نظریه‌های نشانه‌شناسی فرهنگی و رویکرد تحلیل گفتمان تاریخی، چارچوب نظری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. نتایج پژوهش گویای آن است که در سپهر نشانه‌ای ایران سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۸، جایگاه دیگری از زاویه دید مردم و از زاویه دید حکومت متفاوت است و این تفاوت به تقابل مردم و حکومت می‌انجامد که گویای اهمیت دیگری غیر ایرانی در سپهر نشانه‌ای ایران این سال‌ها است. از زاویه دید مردم، دیگری دشمن و متخاصم است اما از زاویه دید حکومت، دیگری قدرتی است که خود به آن وابسته است. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، در رمان‌های این دوره، بازنمایی خود به مثابه فرهنگ و دیگری به مثابه نافرهنک، یا، به بیان دیگر، همپوشانی دو تقابل خود/دیگری و فرهنگ/نافرهنک وجود ندارد.

### واژه‌های کلیدی: رمان فارسی، خود/دیگری، فرهنگ/نافرهنک،

نشانه‌شناسی فرهنگی، رویکرد تحلیل گفتمان تاریخی

## ۱. مقدمه

پژوهشگران برخی حوزه‌های مطالعاتی مانند نشانه‌شناسی و تحلیل گفتمان، همواره به چگونگی بازنمایی خود و دیگری علاقه‌مند بوده و آن را در کانون توجه خود قرار داده‌اند. هدف پژوهش حاضر، بررسی چگونگی بازنمایی خود ایرانی و دیگری غیر ایرانی و همپوشانی تقابل خود و دیگری، با تقابل فرهنگ و نافرهنک در رمان فارسی است. به این منظور، رمان‌های ادبیات داستانی سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۸ که دیگری غیر ایرانی، در آن‌ها حضوری پررنگی دارد، برگزیده شده‌اند. در ادامه این بخش، مسئله پژوهش، داده‌ها، پیشینه و چارچوب نظری مقاله، شرح داده خواهند شد.

## ۱.۱. بیان مسئله

استوارت هال (Hall, 1997, p.15) بر این باور است که مفهوم بازنمایی جایگاه مهمی در مطالعه فرهنگ دارد و بازنمایی معنا و زبان را به فرهنگ پیوند می‌دهد. آن گونه که هال (Hall, 1997,

p.15) می‌نویسد، یکی از معانی بازنمایی استفاده از زبان برای گفتن چیزی معنادار درباره جهان یا دیگر مردم است و بنیان فرایند معنا سازی و تبادل در میان اعضای یک فرهنگ را تشکیل می‌دهد. به طور خلاصه، بازنمایی یعنی تولید معنا به واسطه زبان (همان، ۱۶). در این پژوهش برآنیم با مطالعه رمان به مثابه جلوه‌ای از ادبیات و «یکی از عرصه‌های وسیع و غنی... که می‌تواند جایی برای جست‌وجو و یافتن پاره‌ای از خود ما باشد» (Dowlatabadi, 1990)، چگونگی بازنمایی خود ایرانی و دیگری غیر ایرانی را در سپهر نشانه‌ای ایران سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۸ نشان دهیم. در این سال‌ها به واسطه مبارزات نفت و حرکت پانزده خرداد ۱۹۶۳، «دوران مقاومت» نام گرفته و با حضور پررنگ دیگری و به ویژه دیگری انگلیسی همراه است. همچنین، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که «بازنمایی خود ایرانی و دیگری غیر ایرانی در رمان‌های فارسی چگونه است؟». سپس، الگوی همپوشانی تقابل‌های خود/دیگری و فرهنگ/نافرنگ را در این رمان‌ها بررسی می‌کنیم. بررسی این همپوشانی از آن رو اهمیت دارد که ممکن است فرهنگی خود را به شکل طبیعت و آشوب و دیگری را به مثابه فرهنگ بازنمایی کند، «پتر کبیر و دیگر روس‌هایی که به دنبال مدرن کردن روسیه بودند، این دیدگاه... را داشتند» (Sonesson, 2011, p. 161). به این منظور، سه رمان برجسته دوره چهارم ادبیات داستانی ایران (۱۹۶۱-۱۹۷۸)، تنگسیر (Chubak, 1963)، سووشون (Daneshvar, 1969) و همسایه‌ها (Mahmoud, 1973)، را برگزیدیم، به این سبب که در آن‌ها دیگری حضوری پررنگ دارد. در ادامه رمان‌های منتخب معرفی خواهند شد.

## ۱.۲. معرفی داده‌های پژوهش

احمد محمود، علی محمد افغانی، اسماعیل فصیح، محمود دولت‌آبادی، هوشنگ گلشیری، امین فقیری، بهرام بیضایی و سیمین دانشور از مشهورترین داستان‌نویسان دوره منتخب پژوهش حاضرند. از آن‌جا که بررسی همه آثار ناممکن است، سه رمان از برجسته‌ترین رمان‌های این دوره را، با توجه به حضور دیگری غیر ایرانی در آن‌ها، برگزیده‌ایم.

### ۱.۲.۱. تنگسیر (Chubak, 1963)

در آثار صادق چوبک<sup>۱</sup>، رنگ و بوی جنوب به خوبی پیدا است. «در داستان‌های او زندگی و ازدگان جامعه عقب‌مانده، از زاویه‌ای تازه توصیف می‌شود... چوبک نخستین نویسنده نسل

<sup>۱</sup> خیمه شب‌بازی (۱۹۴۵)، تنگسیر (۱۹۶۳)، چراغ آخر (۱۹۶۵)، روز اول قبر (۱۹۶۵) و سنگ صبور (۱۹۶۶) از آثار او هستند.

۲۴ / بازنمایی خود و دیگری در رمان فارسی: خود ایرانی و دیگری غیر ایرانی در سه رمان تنگسیر، ...

خود بود که موفق به ارائهٔ طرحی هنرمندانه از این زندگی‌ها شد» (MirAbedini, 2008, p. 242). رمان پرماجرایی تنگسیر «بر اساس واقعه‌ای تاریخی بنا شده و خاطرهٔ مردی است که برای گرفتن حق خود سلاح به دست می‌گیرد» (Yahaghi, 2001, p. 262)، «بر سرنوشت خویش می‌شورد و در جهت تغییر موقعیت اجتماعی خود می‌کوشد» (MirAbedini, 2008, p. 242).

### ۱.۲.۲. سووشون (Daneshvar, 1969)

سیمین دانشور<sup>۱</sup> نخستین «زن ایرانی است که مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه چاپ کرد» (MirAbedini, 2008, p. 197). سووشون مهم‌ترین اثر او، با موضوع تسلط انگلیسی‌ها بر نواحی جنوب ایران نوشته شده است:

اوج کار خانم دانشور را باید رمان شیرین و پر خوانندهٔ سووشون دانست؛ داستانی که زندگی مشترک زری و یوسف (دو قهرمان اصلی کتاب) را در مجموعهٔ زندگی اجتماعی مردم فارس در خلال جنگ جهانی دوم و تسلط انگلیسیان بر نواحی جنوب تصویر می‌کند (Yahaghi, 2001, p. 271).

### ۱.۲.۳. همسایه‌ها (Mahmoud, 1973)

احمد محمود (احمد اعطا)<sup>۲</sup> از موفق‌ترین چهره‌های واقع‌گرائی<sup>۳</sup> اجتماعی به شمار می‌رود (MirAbedini, 2008, p. 1008). قالب داستانی موفق محمود، با رمان همسایه‌ها شکل گرفت که «از غنای دستاورد رمان تاریخ‌گرا خبر می‌دهد... [و] در پی خود موجی از رمان‌های شرح احوالی پدید می‌آورد» (MirAbedini, 2008, p. 473).

قهرمان رمان همسایه‌ها... به درون حوادث تاریخی کشانده می‌شود و سرنوشتش را مبارزهٔ میان نیروهای متضاد اجتماعی تعیین می‌کند. طرح رمان بر گرد تحول شخصیت و عقاید او شکل می‌گیرد و... یک دوران تاریخی را در برمی‌گیرد (همان، ۴۸۱).

## ۲. پیشینهٔ پژوهش

پژوهش‌هایی که به مبحث بازنمایی خود و دیگری پرداخته‌اند، پرشمارند و اشاره به همهٔ آن‌ها بحث را به درازا می‌کشاند. از این‌رو، در این بخش فقط به برخی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

<sup>۱</sup> آتش خاموش (۱۹۴۸)، شهری چون بهشت (۱۹۶۱)، به کی سلام کنم؟ (۱۹۸۰)، جزیرهٔ سرگردانی (۱۹۹۳) و ساربان سرگردان (۲۰۰۱) از جمله آثار او هستند.

<sup>۲</sup> مول (۱۹۵۹)، دریا هنوز آرام است (۱۹۶۰)، داستان یک شهر (۱۹۶۱)، بیهودگی (۱۹۶۲)، زائری زیر باران (۱۹۶۷)، غریبه‌ها (۱۹۷۱)، پسرک بومی (۱۹۷۱)، همسایه‌ها (۱۹۷۳) و مدار صفر درجه (۱۹۹۳) از آثار او هستند.

<sup>۳</sup> realism

سلطانی (Soltani, 2005, p.11) با بیان اینکه «هر گفتمانی به منظور هویت یافتن به ناچار شروع به تولید دشمن برای خود می‌کند»، به پدیده غیریت‌سازی در گفتمان انقلاب اسلامی اشاره کرده و نتیجه گرفته‌است که پهنه اجتماع هیچ‌وقت خالی از دشمن نمی‌شود (همان، ۹۴-۹۵). پاکتچی (Pakatchi, 2006) «با تکیه بر نشانه‌های باستانی ایران»، در تقابل با دو گانه‌های رایج در نشانه‌شناسی مانند تقابل‌های خود/دیگر، فرهنگ/طبیعت و ...، تقابل چهارگانه را صورت‌بندی می‌کند و با اشاره به داستان بیژن و منیژه می‌نویسد:

در این داستان، بیژن پسر گیو، پهلوان ایرانی و از رکاب‌داران کیخسرو پادشاه ایران، و منیژه دختر افراسیاب، پهلوان و پادشاه توران، حضور دارند. پادشاه ایران دشمنی سازش‌ناپذیری با پادشاه توران دارد، اما در حد فاصل این دو کرانه، بیژن و منیژه در قالب پرداختی تغزلی به یکدیگر عشق می‌بازند و دشمنی ایرانیان و تورانیان را با عشق خود فرومی‌شکنند (Pakatchi, 2006).

سجودی (Sojoodi, 2009a, p.127-142) در پژوهشی نشانه‌شناختی درباره ارتباط‌های بینا فرهنگی، با اشاره به این که پیش شرط هر کنش ارتباطی وجود یک من و یک تو، یا به بیان دیگر، وجود یک خود و یک دیگری است، به مطالعه چستی من و تو در ارتباطات فرهنگی، رمزگان‌های ارتباطی و ماهیت متون فعال در ارتباط پرداخته‌است. یافته‌های پژوهش وی نشان داده‌است که «فرهنگ به خودی خود معنی ندارد و هر فرهنگ پیوسته به واسطه وجود یک دیگری فرهنگی شکل می‌گیرد و وابسته به ارتباطات بین فرهنگی است». سجودی در پژوهش دیگری (Sojoodi, 2009b, pp. 143-165) با بیان اینکه «هر فرهنگی فضای خود را آشنا، آرامش‌بخش، متعارف و انسانی می‌داند و در تقابل با آن و برای اثبات آن، پیوسته دیگری عجیب و نامتعارف را ... بازمی‌سازد»، نمودار مکتب تارتو را تعدیل و دیگری را «دیگری فرهنگی» معرفی کرده‌است. نبوی (Nabavi, 2009) چگونگی بازنمایی خودی و غیر خودی را در سرمقاله‌های روزنامه‌های کیهان در سال‌های ریاست جمهوری خاتمی بررسی کرده‌است. او با تحلیل واژه‌ها، پاره‌گفته‌ها و نیز حوزه‌های معنایی سرمقاله‌های این روزنامه نشان داده‌است مفاهیمی که به گروه خودی نسبت داده شده‌اند، مشتمل بر فقر و سختی، هوشمندی و هوشیاری و قدرت و توانایی هستند. ویژگی‌های برجسته گروه غیر خودی نیز شامل ثروت، نافهمی و توهم، ضعف و ناتوانی است. برجسته‌سازی پاره‌گفته‌ها و واژه‌ها نیز به گونه‌ای است که ویژگی‌های مثبت خود و ویژگی‌های منفی غیر خودی برجسته بوده‌اند. همچنین نقاط ضعف خود و نقاط قوت غیر خودی و نیز رویدادهای غیر دلخواه به حاشیه برده شده یا انکار می‌شوند. طالبی و ناظری (Talebi & Nazeri, 2011) نیز به بررسی

بازنمایی روابط قدرت در رمان و ذهنیت نهانی نویسندگان درباره دیگری، در دوره پهلوی اول، پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهند که دیگری در این رمان‌ها اغلب شخصیتی ایستا است که قدرت تأثیر بر محیط را ندارد و محیط نیز توان تغییر دادن او را ندارد. این دیگری با گسترده‌ایده ناسیونالیسم و تلاش روشنفکران برای پیوستن به غرب پیشرفته با هدف پیوستن به مدرنیته، «تا سطح گروه‌ها، اجتماعات و قومیت‌های ساکن در ایران کشیده شده‌است» (2011 Talebi & Nazeri). نویسندگان این مقاله در نهایت نتیجه‌گیری کرده‌اند که در رمان‌های مورد بررسی، دیگری در مقام طبیعتی وحشی، پلشت و بی‌قانون، و در مقابل خود به عنوان نماد فرهنگ بازنمایی شده‌است. پاکتچی (Pakatchi, 2012) در پژوهشی سه‌الگوی کوچک‌تر از الگوی نخست لوتمان و با آوردن نمونه‌ای از تقابل خود و دیگری در فرهنگ ایرانی ارائه می‌دهد. به باور وی، نگاه ایرانیان به دیگری هرگز بر اساس الگوی طبیعت-فرهنگ نبوده و «اصولاً مفهومی معادل «بربر» یونانی یا «عجم» عربی در میان ایرانیان شکل نگرفته‌است» و «غیر ایرانیان از نظر ایرانی محکوم به عدم تعلق به فرهنگ نبوده‌اند» (Pakatchi, 2012). سجودی و آقابراهیمی (2013 Sojoodi & Aghaebrahimi) با بررسی چگونگی بازنمایی خود و دیگری در داستان سیاوش در شاهنامه فردوسی نشان می‌دهند «آنچه در این داستان خود را از دیگری متمایز می‌سازد، مذهب، علم، قدرت و یا ثروت نیست، بلکه کردار و گفتار اخلاقی است. فردوسی تلاش می‌کند خود و دیگری متفاوتی را مطرح سازد که می‌توان آن را در تقابل با خود/دیگری قطبیده، خود/دیگری آمیخته نامید» (2013 Sojoodi & Aghaebrahimi). اطهاری نیک‌عزم (Athari Nikznm, 2013) با استفاده از روش نشانه‌شناسی اجتماعی به بررسی شیوه‌های گوناگون ظهور دیگری در داستان‌های کوتاه زن زیادی جلال آل احمد پرداخته و نشان داده‌است که «آنچه به من شخصیت‌های داستان معنا می‌دهد، حضور دیگری است». در واقع، «این دیگری در داستان‌های آل احمد هویت من را از او می‌گیرد و او را مجبور می‌سازد به آن شیوه‌ای که دیگری می‌خواهد زندگی کند» (Athari Nikznm, 2013). اسدی و ساسانی (Asadi & Sasani, 2013) نیز با تحلیل مؤلفه‌های گفت‌وگو در متن‌های مربوط به سیاست خارجی محمدرضا پهلوی، نشان داده‌اند که «هویت‌های خودی غالباً به صورت مثبت و فعال بازنمایی می‌شوند، درحالی‌که هویت‌های دیگری به صورت منفی بازنمایی می‌شوند». شیرازی عدل (Shirazi Adl, 2013) با تکیه بر آرای باختین در حوزه گفت‌وگومندی، به بررسی بازنمایی تصویر خود و دیگری و گفت‌وگومندی در دو رمان کتاب احمد و سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ پرداخته‌است. وی بازنمایی خود و دیگری را در دو اثر مورد مطالعه خویش، این‌گونه توصیف کرده‌است:

هر دو اثر... نسبت به زمان حال... نگاه مثبتی نداشته و مدام در حسرت دوران پر بار گذشته‌اند. به لحاظ مکانی نیز خودی که ایرانی است هر کجا که باشد... پیوسته در عصرت و عذاب است... دیگری، که یا همسایگان ایران‌اند و سایر کشورهای فرنگ، در عیش و خوشی به سر می‌برند... (Shirazi Adl, 2013)

### ۳. چارچوب نظری

نظریه‌هایی که به موضوع بازنمایی خود و دیگری پرداخته‌اند، بسیارند. چارچوب نظری پژوهش حاضر تلفیقی از نشانه‌شناسی فرهنگی و رویکرد تحلیل گفتمان تاریخی است. به این ترتیب که برای پاسخ به پرسش نخست از ابزارهای تحلیل زبانی رویکرد تحلیل گفتمان تاریخی و برای پاسخ به پرسش دوم، از نظریه‌های نشانه‌شناسی فرهنگی استفاده خواهد شد. بنابراین در این بخش فقط به این دو رویکرد اشاره خواهیم کرد.

نشانه‌شناسی فرهنگی، نخستین بار در سال ۱۹۷۳ پدیدار شد و به واسطه «سنت‌های درونی و با اندوخته دستاوردهای صورت‌گرایی روسی و حلقه زبان‌شناسی پراگ از ساختگرایی فاصله گرفت» (Torop, 2011, p.30-31). مهم‌ترین مفهوم مطرح در نشانه‌شناسی فرهنگی که در این مقاله به آن می‌پردازیم، فرهنگ است. لوتمان و همکاران (Lotman et al., 2011) به دو ویژگی فرهنگ اشاره کرده‌اند:

فرهنگ هرگز یک مجموعه عام و جهانی نیست... فرهنگ فقط در حکم یک بخش، یک حوزه بسته بر بستر نافرنگ دریافت می‌شود... نافرنگ ممکن است در حکم آنچه به یک مذهب به خصوص تعلق ندارد، دسترسی به دانش به خصوص ندارد، یا با نوع به خصوص از زندگی و رفتار اشتراک ندارد پدیدار شود. اما فرهنگ همیشه به چنین تقابلی نیازمند است... دوم، شیوه‌های متفاوت تعیین حدود متمایزکننده فرهنگ از نافرنگ سرانجام و اساساً به یک چیز ختم می‌شود: در بستر نافرنگ، فرهنگ در حکم یک نظام نشانه‌ای پدیدار می‌شود (Lotman et al., 2011, p. 41).

با توجه به تعریف فرهنگ است که موضوع تقابل خود و دیگری مطرح می‌شود. لیونگبرگ (Ljungberg, 2011) درباره این تقابل می‌نویسد «هر فرهنگ خود را به عنوان نظم فرهنگی در نظر می‌گیرد؛ نظمی که در مقابل فضایی بیرونی که مترادف با بی‌نظمی و وحشیگری است قرار می‌گیرد» (Ljungberg, 2011, p.127).

برای تحلیل تقابل خود و دیگری در سه رمان منتخب، از رویکرد گفتمانی تاریخی استفاده خواهیم کرد و با توجه به آرای رایزگل و وداک (Reisigl & Wodak, 2009, p. 93)، با کاربرد

راهکارهای گفتمانی، ابزارهای زبانی و تجلی‌های زبانی<sup>۱</sup> خاص بافت-مدار، چگونگی بازنمایی خود و دیگری را در رمان‌های منتخب نشان خواهیم داد. رویکرد گفتمانی تاریخی بر تاریخ‌گرایی در تولید و درک گفتمان تأکید و تلاش می‌کند سطوح گوناگون تحلیل تاریخی را در بافت‌سازی و توضیح تحلیل زبانی بگنجانند (KhosraviNik, 2015, p.107). دستورالعمل پژوهشی پیشنهادی این رویکرد شامل بررسی این راهکارهاست:

**راهکارهای ارجاعی**<sup>۲</sup> (که عملکردشان از طریق ابزارهای دسته‌بندی<sup>۳</sup>، شامل ارجاعات موضوعی به واسطه استعاره‌ها و مجازهای زیست‌شناختی، طبیعی‌سازی و شخصیت‌زدایی و نیز مجاز جزء به کل است)، **راهکارهای اسنادی**<sup>۴</sup> (که پس از کامل شدن همه نام‌گذاری‌ها و مقوله‌بندی‌ها از آن‌ها استفاده می‌شود. این راهکارها توصیفی، ارزش-گذارانه و کلیشه‌ای‌اند از ویژگی‌های منفی یا مثبت در قالب گزاره‌های ضمنی یا صریح زبانی)، **راهکارهای استدلال**<sup>۵</sup> (... برای نمونه، توجیه شمول یا حذف، تبعیض یا اولویت‌دهی اجتماعی و سیاسی به افراد یا گروهی از افراد)، زاویه‌سازی<sup>۶</sup> (چارچوب‌بندی یا بازنمایی گفتمانی که به واسطه آن گویندگان مشارکت خودشان را در گفتمان بیان می‌کنند و دیدگاهشان را در یک گزارش، توصیف، روایت یا نقل‌رخدادها یا گفته‌های تبعیض‌آمیز مطرح می‌سازند)، و **پرونگ‌سازی**<sup>۷</sup>، **کمرنگ‌سازی**<sup>۸</sup> (چگونگی پرونگ‌سازی یا کمرنگ‌سازی استدلال‌ها، دیدگاه‌ها و دیگر راهکارهای گفتمانی با ابزارهای زبانی). (همان، ۱۰۸).

#### ۴. تحلیل داده‌ها

در رمان‌های سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۸، متغیرهای دیگری ساز بسیاری وجود دارد، متغیرهایی مانند مرزهای جغرافیای داخلی، مرزهای جغرافیای خارجی، تقابل مردم و حکومت، تقابل فقیر و غنی و دین. با توجه به پرسش‌های پژوهش حاضر، فقط به بررسی چگونگی بازنمایی خود/ایرانی و دیگری غیر/ایرانی و در نتیجه متغیر دیگری ساز مرزهای جغرافیای خارجی خواهیم پرداخت.

<sup>1</sup> linguistic realization

<sup>2</sup> Referential Strategies

<sup>3</sup> membership categorization devices

<sup>4</sup> Predicational Strategies

<sup>5</sup> Argumentation Strategies

<sup>6</sup> perspectivization

<sup>7</sup> intensification

<sup>8</sup> mitigation



#### ۴. ۱. بازنمایی به واسطه راهکارهای ارجاعی

راهکارهای ارجاعی، ابزارهایی برای نام گذاری و دسته بندی کنشگران، اشیاء، فرایندها و ... هستند. این راهکارها عبارت اند از اسم های اشاره، اسم های خاص، صنعت های ادبی مانند استعاره و مجاز، و فعل ها و اسم هایی که برای دلالت بر فرایند و کنش ها به کار می روند (Reisigl et al., 2009, p.94). در این بخش، نشان خواهیم داد که در رمان های منتخب برای بازنمایی خود و دیگری از کدام یک از این ابزارها استفاده شده است.

#### ۴. ۱. ۱. خود ایرانی

در رمان های دوره مقاومت خود ایرانی یکپارچه و متحدی وجود ندارد و معمولاً قصه ها بر مردمان یک شهر خاص متمرکزند، آن چنان که حتی مردمان شهرهای دیگر، دیگری به شمار می آیند. با این وجود، نمونه هایی از ارجاع به خود ایرانی به مثابه خودی که تنها با متغیر **ایرانی بودن** از دیگری غیر ایرانی متمایز شده و با ضمیر «ما» به آن ارجاع داده شده است، نیز مشاهده می شود. بنابراین، می توان ملیت را متغیری دانست که در رمان های منتخب، هویت ایرانی را از هویت غیر ایرانی متمایز می کند: «زایر، اینام [انگلیسی ها] مَث خود ما آدمند. به ما کاری ندارن ... چطور با ما کار ندارن؟ مگه همین چن سال پیش نبود که جهازاشون آوردن خونه و زن و بچه هامون به گلوله بسن و اون همه تنگسیر کشتن؟» (Chubak, 1963, p.84).<sup>۱</sup>

در رمان های این دوره استفاده از ضمیر «ما» راهکار ارجاعی مهمی برای رمزگذاری و ایجاد تقابل میان خود و دیگری است، زیرا در همه نمونه ها در کنار ضمیر «ما»، به دیگری غیر ایرانی نیز اشاره شده است. در واقع، کاربرد «ما» کاربردی بافت وابسته است و اگر ارجاع به دیگری غیر ایرانی را از نمونه ها حذف کنیم، شناسایی مرجع ضمیر که خود ایرانی است، ناممکن خواهد شد. گویی **ایرانی بودن** تنها زمانی هویتی فراگیر و معیاری برای دسته بندی است که در تقابل با دیگری غیر ایرانی قرار گیرد. علاوه بر ضمیر «ما»، نمونه هایی از کاربرد ضمیر «خودمان» نیز مشاهده می شود: «وقتی انگلیسیا زدن به چاک، بعد چی؟ ... نفت مال **خودمون** میشه» (Mahmoud, 1973, p. 90).<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استفاده از ضمیر «ما» در صفحه های ۱۶، ۵۱ و ۱۹۶ رمان سووشون و صفحه های ۹۰، ۱۶، ۹۹، ۱۳۴، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۷۰، ۱۷۹، ۲۳۱ و ۴۳۵ رمان همسایه ها نیز مشاهده می شود.

<sup>۲</sup> نمونه های دیگری از کاربرد ضمیر «خودمون» در صفحه ۲۱ این رمان و نیز در صفحه های ۹۴، ۱۵۳ و ۲۳۱ رمان همسایه ها وجود دارد.

۳۰ / بازنمایی خود و دیگری در رمان فارسی: خود ایرانی و دیگری غیر ایرانی در سه رمان تنگسیر، ...

در رمان‌های منتخب این دوره، ارجاع به خود بر اساس نام کشور (ایرانی) وجود ندارد. فقط چند مورد ارجاع با واژه «هموطن» (Daneshvar, 1969, p. 50, 53, 181) وجود دارد که می‌توان آن‌ها را ارجاع بر اساس ملیت دانست: «اسلحه بگیرید و بیفتید به جان برادرها و هموطن‌های خودتان؟» (Daneshvar, 1969, p. 50). از واژه «مردم» نیز برای ارجاع به خود ایرانی استفاده شده است: «مجلس، به خواست توده مردم، لایحه ملی شدن صنعت نفت را تصویب کرده است. مردم با چهره‌های برافروخته و لب‌های به خنده نشسته، جا به جا دور دسته‌های نوازنده جمع شده‌اند به پایکوبی و دست‌افشانی» (Mahmoud, 1973, p. 211).<sup>۱</sup>

ارجاع به سرزمین خود با نام «ایران» نیز فقط سه بار در رمان سووشون (Daneshvar, 1969, p. 13, 34, 181) دیده می‌شود. «مک‌ماهون: [ما قوم و خویش هستیم. مگر نه؟ ایران و ایرلند» (همان، ۱۳). برای ارجاع به سرزمین خود بیش از «ایران»، از ضمیر «اینجا» و واژه‌های «مملکت» و «کشور» استفاده شده است:

۱. الف) خون باباشون اینجا ریخته شده. (Mahmoud, 1973, p.214)<sup>۲</sup>

ب) اصلاً انگلیسی‌ها تو مملکت ما چکار می‌کنند. (Mahmoud, 1973, p.90)

ج) ما می‌خواهیم که دست غارتگران از صنعت نفت کشور ما کوتاه شود. (Mahmoud, 1973, p.179).

با توجه به یافته‌های به‌دست آمده از بررسی چگونگی بازنمایی خود ایرانی به‌واسطه راهکار ارجاعی، می‌توان گفت که پر بسامدترین ارجاعی که خود ایرانی را از دیگری غیر ایرانی متمایز می‌سازد، ارجاع با ضمیر اشاره «ما» و «خودمان» است.

#### ۴. ۱. ۲. دیگری غیر ایرانی

پیش از تحلیل چگونگی بازنمایی دیگری غیر ایرانی در سه رمان تنگسیر، سووشون و همسایه‌ها، باید به این نکته اشاره کرد که دیگری غیر ایرانی در این سه رمان محدود به کشورهایی است که در زمان شکل‌گیری وقایع داستان رمان‌ها در ایران حضور داشته‌اند، یعنی کشورهای انگلستان و روسیه که به‌طور خاص بازنمایی کشور انگلستان بسیار برجسته است. ارجاع به دیگر کشورها بسیار اندک است و معنادار نیست. دیگری غیر ایرانی در رمان این دوره معمولاً بر اساس ملیتش

<sup>۱</sup> نمونه‌های دیگری از کاربرد این واژه در صفحه‌های ۱۸، ۵۳، ۵۴، ۱۲۵ و ۱۸۱ رمان سووشون وجود دارد.

<sup>۲</sup> از ضمیر «اینجا» در صفحه ۵۷ همسایه‌ها، صفحه‌های ۱۶، ۵۱ سووشون و صفحه‌های ۲۰ و ۸۴ تنگسیر نیز استفاده شده است.

نام گذاری می شود: یک **هندی** (Chubak, 1963, p.66)، **روس ها** (Daneshvar, 1969, p.181)، **آلمان ها** (Daneshvar, 1969, p.51)، عرب ها (Mahmoud, 1973, p.124, 435).

کمک راننده ... می گوید: «یعنی این که **انگلیسیا** میاد دمبشونو بندازن رو کولشون و بزنی به چاک». پس مقصود جان محمد از «شیر» **انگلیسی ها** هستند. با تعجب از کمک راننده می پرسم: «**انگلیسیا؟**» «خب بله دیگه... **انگلیسیا**». «وقتی **انگلیسیا** زدن به چاک، بعد چی؟» «... نفت مال خودمون میشه». . . اگر مهتم بدهد می پرسم که چرا **انگلیسی ها** باید بزنی به چاک. می پرسم که اصلاً **انگلیسی ها** تو مملکت ما چکار می کنند و می پرسم که نفت ما چه ربطی به **انگلیسی ها** دارد. (Mahmoud, 1973, p. 90)<sup>۱</sup>

علاوه بر ارجاع های ملیت محور، ارجاع هایی نیز وجود دارند که به بیگانه و خارجی بودن دیگری و نیز تعلقش به موقعیت جغرافیایی خاصی اشاره دارند. اجنبی، فرنگی، خارجی، غربی و شرقی واژه هایی هستند که برای نام گذاری و ارجاع به دیگری غیر ایرانی به کار رفته اند.

۲. الف) هیچ کدام منت احدی را نکشیدند، نه منت **فرنگی** های کون نشسته را و نه منت خودی های تازه به دوران رسیده را. (Daneshvar, 1969, p. 24)<sup>۲</sup>

ب) آذوقه شهر را ... قشون **اجنبی** خریده بود ... (Daneshvar, 1969, p. 6)  
ج) محال بود **خارجی** مهمی به شهر بیاید و به تماشای آن خانه نرود. (Daneshvar, 1969, p.159)

د) مطمئن باش برای این که دست **غریبا** کوتا بشه. **شرقیا** هر کمکی که ... (Mahmoud, 1973, p. 171)

می توان این ارجاع ها را ارجاع هایی ارزش گذارانه و نه خنثی دانست که خود و دیگری را از یکدیگر متمایز می سازند. ارجاع به دیگری با ضمیر اشاره نیز پر کاربرد است:

۳. الف) مردم این شهر شاعر متولد می شوند اما **شماها** شعرشان را کشته اید. (Daneshvar, 1969, p. 18)

<sup>۱</sup> ارجاع با واژه «انگلیسی ها» در صفحه های ۲۲، ۲۷، ۳۸، ۶۶، ۶۷، ۸۴، ۱۸۰، ۱۹۳ و ۱۹۴ رمان تنگسیر، در صفحه های ۱۱۶، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۵۴، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۲۰۲، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۳۱، ۲۳۲ و ۲۴۹ رمان همسایه ها و

در صفحه های ۶، ۱۲۷، ۱۶۰ و ۲۹۰ رمان سووشون نیز وجود دارد.

<sup>۲</sup> ارجاع با واژه «فرنگی ها» در صفحه های ۹۶ و ۱۲۳ رمان سووشون تکرار شده است.

ب) یوسف پدرانه گفت: «از آن‌ها دفاع هم می‌کنی پسر جان؟ جنگ آن‌ها میان خودشان است. به ما چه مربوط؟ هیتلر از قاره خودشان است. خودشان پروارش کردند. بگذارید خودشان هم تقاص پس بدهند... این‌ها هیچ وقت به متفقشان نه نمی‌گویند... دست‌های شما را آلوده خواهند کرد و خودشان کنار خواهند نشست...» (Daneshvar, 1969, p. 51)<sup>۱</sup>

ج) [یوسف] فرمود: حالا دیگر، آذوقه ربطی به جنگ آن‌ها ندارد... دلالت... گفت: ... با این‌ها در نینداز، بد می‌بینی... این‌ها محتاج گندم و آذوقه تو نیستند... (Daneshvar, 1969, p. 250-251)<sup>۲</sup>

همان‌طور که یافته‌های این تحلیل نشان می‌دهند، کاربرد ضمیر ما و آن‌ها برای دسته‌بندی و ایجاد تقابل میان خود ایرانی و دیگری غیر ایرانی در رمان این دوره نظام‌مند و معنادار است. بررسی راهکار ارجاعی برای بازنمایی دیگری نشان می‌دهد که ارجاعی که نشانگر برساخت دیگری به‌مثابه نافرنگ باشد، وجود ندارد و ارجاع‌ها فقط بیگانه بودن او را نشان می‌دهند.

#### ۴.۲. بازنمایی به واسطه راهکارهای اسنادی

راهکارهای اسنادی کیفیت گفتمانی کنشگران، اشیاء، پدیده‌ها، رخدادها، فرایندها و کنش‌ها را به واسطه توصیف‌های ارزشمدارانه کلیشه‌ای از ویژگی‌های منفی یا مثبت در قالب صفت‌ها، بدل‌ها، گروه‌های حرف‌اضافه‌ای، بندهای موصولی، بندهای همپایگی، بندهای مصدری و بندها یا گروه‌های وجه وصفی، باهم‌آیی‌ها، مقایسه‌های صریح، تشبیه‌ها، استعاره‌ها، مجازها، مبالغه‌ها، حسن تعبیرها، تلمیح‌ها، تلویح‌ها و... مشخص می‌سازد (Reisigl et al., 2009, p. 94). در این بخش از مقاله، به بررسی چگونگی استفاده از راهکارهای اسنادی برای بازنمایی خود/ایرانی و دیگری غیر ایرانی در رمان‌های منتخب می‌پردازیم.

#### ۴.۲.۱. خود ایرانی

در بازنمایی خود ایرانی در رمان‌های این دوره، بیش از هر چیز گزاره‌های منفی مانند فقر، اعتیاد، فساد اخلاقی، باورهای خرافی، بی‌سوادی و وابستگی به دیگری برجسته شده و اشاره به باورهای دینی دیگر راهکار بازنمایی خود ایرانی است. اگرچه، هر یک از این گزاره‌ها معمولاً به یک یا شماری از شخصیت‌های داستان نسبت داده شده‌است، اما می‌توان این شخصیت‌ها را نمادهایی از

<sup>۱</sup> در صفحه‌های ۱۶ و ۳۱ این رمان نیز از ضمیر «خودشان» استفاده شده‌است.

<sup>۲</sup> در صفحه‌های ۱۶، ۵۱ و ۲۵۰ این رمان نیز از ضمیر «آن‌ها» استفاده شده‌است.

کلیت مردم ایران و این گونه بازنمایی را بازنمایی نمادین دانست. بی‌تردید روشن است که ممکنست بسیاری از این گزاره‌ها فقط طبقه یا طبقه‌های اجتماعی خاصی را توصیف و بازنمایی کنند. به هر حال، برای داشتن تصویری روشن از ایرانی که در رمان‌های سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۸، بازنمایی شده‌است، ناگزیر باید به همه گزاره‌ها اشاره کرد. یکی از مهم‌ترین راهکارهای اسنادی، برای بازنمایی خود در این رمان‌ها زاویه‌سازی با استفاده از نقل قول مستقیم است:

۴. الف) **پدرم می‌گوید** حتی خندیدن تو صورت محمد میکانیک هم کفاره داره [زیرا نماز می‌خواند]. (Mahmoud, 1973, p. 26)

ب) **پدرم می‌گوید** دنیا زندان مؤمن است. (Mahmoud, 1973, p. 28)

ج) **حاج شیخ علی از ثواب اطعام علما و از همنشینی با علما حرف می‌زند. دامادش از نعمت‌های بهشت حرف می‌زند. برادرش از ثواب ختم صلوات حرف می‌زند...** (Mahmoud, 1973, p. 31)

د) **خدا رزاق است. میرزا نصرالله می‌گوید.** (Mahmoud, 1973, p. 26)

«پدرم می‌گوید»، «میرزا نصرالله می‌گوید» و موارد مشابه، نشان می‌دهند که همه این نمونه‌ها نقل قول‌هایی هستند برای زاویه‌سازی و بیان دیدگاه‌های دینی خود ایرانی و بازنمایی و برساخت او به‌مثابه خودی دین‌باور. بی‌غیرتی، فساد و وابستگی به خارجی‌ها و سرسپردگی در برابر آن‌ها، دیگر ابعاد برساخت ایرانیان است که به شکل نقل قول مستقیم بیان شده‌است.

۵. الف) **اصلاً به جو غیرت تو این مردم نیس.** (Chubak, 1963, p. 87)

ب) [یوسف از ملک سهراب پرسید: «آذوقه می‌خواهید که بدهید به قشون خارجی و عوضش اسلحه بگیرید و بیفتید به جان برادرها و هم‌وطن‌های خودتان؟... کو آن دلاوری‌ها و مردانگی‌ها و نجابت‌ها؟»] (Daneshvar, 1969, p. 50-51)

ج) **رئیس دولت با انگلیسیا ساخت و پاخت کرده است.** (Mahmoud, 1973, p. 116)<sup>۱</sup>  
همه نمونه‌های اشاره‌شده نشان‌دهنده بازنمایی منفی خود ایرانی هستند. اگرچه جمله پرسشی «کو آن دلاوری‌ها و مردانگی‌ها و نجابت‌ها؟» در نمونه دوم با این پیش‌فرض همراه است که خود ایرانی پیشتر دلاور بوده و مردانگی و نجابت داشته‌است. فقر یکی دیگر از کلیشه‌ای‌ترین ویژگی‌های خود ایرانی در رمان این دوره است:

<sup>۱</sup> در صفحه‌های ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۴ و ۲۵۰ رمان سووشون و صفحه ۱۳۵ رمان همسایه‌ها نیز نمونه‌های مشابهی وجود دارد.

۶. الف) بین آن بچه بیچاره نان نداشته بخورد. (Daneshvar, 1969, p. 66)

ب) از آن وقت که کار پدرم کساد شده بود و تا آن وقت که پدر رفت کویت و تا حالا که بیست روزی می شود رفته، بجز اشکنه و کاجی و گاهی آردتوله که مثل آب زیپو می ماند و گاهی هم سیرابی و تمام صبح ها بجز نان و چای چیزی نخورده بودیم. (Mahmoud, 1973, p. 82)<sup>۱</sup>

البته، درحالی که مردم با فقر و شرایط نامطلوب دست و پنجه نرم می کنند، حکومت و وابستگانش در رفاه و آسایش اند. توصیف مراسم مجلل عقد دختر حاکم در سووشون (p. 10-13, Daneshvar, 1969) و مقایسه آن با زندگی فقیرانه مردم شیراز و نیز بخش هایی از رمان همسایه ها به زیبایی این تقابل را بازنمایی می کند: «خیابان حکومتی را تازه آسفالت کرده اند. هنوز نصف بیشترش سنگچین است. همه چراغ های خیابان حکومتی روشن است. با خیابان خانه ما خیلی فرق دارد. خاک تا زانو... لجن تا زانو و هیچ وقت ندیده ام که همه چراغ هاش روشن باشد» (Mahmoud, 1973, p. 50).

خود ایرانی فقیر است و برای رهایی یافتن از فقر اقتصادی ناگزیر به سرزمین دیگری پناه می برد: «گذشتن از مرز فلاکت و گرنه آدم وختی به کویت رسید، میدونه که کار، فت و فراونه...» (Mahmoud, 1973, p. 65)<sup>۲</sup>، و به این ترتیب از چنگال فقر رهایی می یابد: «از پدرم نامه رسیده است. مختصر پولی هم رسیده است. حالا، همه بدهکاری ها را داده ایم. یواش یواش دارد دستمان به دهانمان می رسد» (Mahmoud, 1973, p. 197)<sup>۳</sup>.

یکی از مهم ترین ویژگی های خود ایرانی این سال ها که در رمان های منتخب بازنمایی شده است، تقابل های میان خودهای ایرانی است و برجسته ترین این تقابل ها، تقابل مردم و حکومت است. خسروی نیک (KhosraviNik, 2015, p. 148) اشاره می کند که میان مردم و حکمرانان در ایران شکافی تاریخی وجود داشته است. یکی از مهم ترین عوامل ایجاد این تقابل و شکاف وابستگی حکومت به دیگری غیر ایرانی است. نمونه های گویای این شکاف و تقابل، در سه رمان همسایه ها، تنگسیر و سووشون پرشمارند:

<sup>۱</sup> در صفحه های ۲۷، ۲۸، ۳۴، ۸۳، ۱۰۱، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۶ و ۱۳۰ رمان همسایه ها نیز نمونه های مشابهی وجود دارد.

<sup>۲</sup> در صفحه های ۱۸، ۵۷، ۸۲، ۱۲۴، ۱۵۰، ۱۶۵، ۳۲۶ و ۴۳۵ همسایه ها و صفحه ۸۵ تنگسیر نیز نمونه های مشابهی وجود دارد.

<sup>۳</sup> در صفحه های ۶۶، ۶۷، ۹۲ و ۱۶۵ این رمان نیز نمونه های مشابهی وجود دارد.

۷. الف) تنگسیرها... مثل زنبورهای عسلی بودند که **یک چیز ناآشنا و بدبو و بیگانه**

[**مأمورهای حکومتی**] آمده بود توی کندوی آن‌ها. (Chubak, 1963, p. 133)

ب) مانند سگ‌هایی که **بوی گرگ** شنیده باشند... (Chubak, 1963, p. 131)

ج) تفنگچی‌های حکومتی در نظر آن‌ها **خارجی** بودند. (Chubak, 1963, p. 180)

در نمونه‌های بالا «مأمور حکومت» به **یک چیز ناآشنا و بدبو و بیگانه، گرگ**، و در نهایت به

**خارجی** (هندی‌ها و انگلیسی‌ها) تشبیه شده است. زیباترین بازنمایی تقابل مردم و حکومت،

روایت مراسم خاک‌سپاری یوسف در سووشون است و تشبیه‌هایی که بنیانی ملی و مذهبی دارند:

سراسبان به صدای بلند گفت: «با زبان خوش به آقایان می‌گویم متفرق بشوید. بروید. دکان‌هایتان را باز

کنید. اگر نکنید پروانه کبستان را لغو می‌کنند. این دستور است... ماشاءالله قری جلو آمد و گفت: «سرکار

... ما قصد آشوب نداریم. عزای همشهری‌مان را گرفته‌ایم. انگار کن، اینجا کربلاست و امروز عاشورا

است تو که نمی‌خواهی شمر باشی... زری به تلخی اندیشید: «یا انگار کن سووشون است و سوگ

سیاوش را گرفته‌ایم.» (Daneshvar, 1969, p. 298)

در این نمونه، مأمور حکومت به‌طور ضمنی به شمر و یوسف به امام حسین و سیاوش تشبیه شده

است. اعتیاد، بیماری، قاچاق، دزدی، باورهای خرافی، رفتارهای غیر اخلاقی و بی‌سوادی دیگر

گزاره‌هایی هستند که خود ایرانی را بازنمایی می‌کنند:

• **بوی تریاک** خواج توفیق حیاط را پر می‌کند. (Mahmoud, 1973, p. 16)

• **تیفوس همه دهات را گرفته، در شهر هم پر است.** (Daneshvar, 1969, p. 114)

• آفاق، زن خواج توفیق، **قاچاق‌فروشی** می‌کند. (Mahmoud, 1973, p. 19)

• چار، پنج **دزد گردنه‌گیر** هر چه داشتیم بالا کشیدن (Chubak, 1963, p. 19)

• **ای از ما بهترن**، به من کمک کنین. (Chubak, 1963, p. 19)<sup>۱</sup>

• تو گروهانشان هشتاد و شش نفر **بی‌سواد** هست که تو سربازخانه سواد یادشان می‌دهند.

(Mahmoud, 1973, p. 201)<sup>۲</sup>

همه نمونه‌های بازنمایی خود به‌واسطه انواع ابزارهای راهکار اسنادی گویای آن اند که در رمان

دوره مقاومت بازنمایی خود ایرانی کاملاً منفی است و می‌توان نتیجه گرفت که خود به‌مثابه

<sup>۱</sup> «خود» تنگسیر چنان خرافاتی است که درخت را نظر کرده می‌داند و «قسم می‌خورد که عروسی و عزای پریان را در

میان شاخه‌های آن به چشم دیده» است (Chubak, 1963, p. 11).

<sup>۲</sup> نمونه‌های مشابه در هر سه رمان بسیارند و نقل همه آن‌ها در این مقاله ممکن نیست.

نافرهنک برساخته می‌شود. اما این چهره منفی می‌تواند به قهرمان، شیر مرد و انسان شرافتمند تبدیل شود، اگر برای مبارزه با دیگری غیر ایرانی قیام کند:

۸. الف) او هم مثل محمد تو دار و دسته رئیس علی دلواری با انگلیسی‌ها جنگیده بود و دو تا انگلیسی کشته بود و همین برایش افتخاری پدید آورده بود. (Chubak, 1963, p. 38)

ب) یوسف گفت: «... بگذارید لااقل یک نفر جلو آن‌ها بایستد تا توی دلشان بگویند: خوب آخرش یک مرد هم دیدیم». (Daneshvar, 1969, p. 16)

#### ۴.۲.۲. دیگری غیر ایرانی

در زمان شکل‌گیری داستان‌های رمان‌های تنگسیر، سووشون و همسایه‌ها، انگلیسی‌ها و روسی‌ها در ایران حضور داشتند و بر ثروت عظیم این سرزمین چنگ انداخته بودند. همراهی حاکمان فاسد با استعمارگران متجاوز و مبارزه استقلال‌طلبان با آن‌ها یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره بوده و بی‌تردید این موضوع نقشی مهم در چگونگی بازنمایی دیگری غیر ایرانی در رمان‌های این برهه از تاریخ داشته‌است. **استعمارگر** (سووشون، ۳۵؛ همسایه‌ها، ۷۹، ۱۰۰، ۱۴۰، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۹)، **دزد** (همسایه‌ها، ۱۷۰)، **کافر** (همسایه‌ها، ۱۱۶؛ سووشون، ۱۳۳)، **خون‌خوار** (همسایه‌ها، ۷۹ و ۱۰۰)، **امپریالیسم** (همسایه‌ها، ۱۰۰)، **غارتگران** (همسایه‌ها، ۱۷۹، ۲۰۲ و ۲۰۵)، **دلالان نفتی** (همسایه‌ها، ۱۷۹)، **فرنگی دین‌ندار** (همسایه‌ها، ۲۱۲) و **مهمان ناخوانده** (سووشون، ۱۶) از جمله واژه‌ها و ترکیب‌هایی هستند که برای توصیف و برساخت دیگری غیر ایرانی به کار رفته‌اند. نمی‌دانم این «**استعمارگر خونخوار**» چه جور جانوری است که فقط خون می‌خورد و اشتهاش هم سیری‌ناپذیر است. لابد، بی‌جهت اسم «**استعمارگر**» را «**خونخوار**» نگذاشته‌اند... از این جانور، بفهمی نفهمی چیزکی دستگیرم می‌شود. مثلاً فهمیده‌ام که گاهی به جای «خون» نفت هم می‌خورد (Mahmoud, 1973, p. 78-80)

در همه نمونه‌ها دیگری در قامت کنشگری متجاوز و غارتگر، با چهره‌ای منفی برساخته شده‌است. با توجه به تعریف نافرهنک که پیش‌تر به آن اشاره شد، نمونه‌هایی از نافرهنک برشمردن دیگری نیز وجود دارد، آن‌جا که گزاره‌های کافر و دین‌ندار به او نسبت داده می‌شود، یعنی او که به دینی خاص تعلق ندارد و در نتیجه نافرهنک است. نمونه‌های دیگری از برساخت دیگری به مثابه نافرهنک نیز وجود دارند: آن‌جا که دیگری به جانوری تشبیه می‌شود که به آدم نمی‌ماند و نیز آنجا که دیگری نجس قلمداد می‌شود، چنان که ظرفش را باید آب کشید (Chubak, 1963, p. 84).



عجب جونورایی حسن اینا. **مردنشنوم به آدم نمی‌مونه.** (Chubak, 1963, p.27) افراشتگی «پرچم» دیگری در سرزمین خود بازنمایی مجازی و نمادین دیگری، برای برساخت متجاوز بودن اوست.

نگاهی به **پرچم انگلیس** که شق و رق رو دکل دیلاکش تو آسمان نیلی موج می‌خورد انداخت و صورتش تو هم رفت و رو زمین تف کرد... «چن ساله که من این بیرق رو همین جور می‌بینم که هیچ‌وخت نمی‌دارن کهنه بشه و آفتاب رنگ و روش بیره؟ عوضش بیرق خودمون که رو «امیریه» زدن، آفتاب رنگ و روش برده و سفید سفیدش کرده. (Chubak, 1963, p. 20)<sup>۱</sup>

یکی دیگر از کاربردهای مجاز برای بازنمایی دیگری به واسطه راهکارهای اسنادی، اشاره به دین دیگری است که دیگری آن را در سرزمین خود تبلیغ می‌کند: «هنوز سرش پر از داستان‌های انجیل است که هر روز صبح در مدرسه مجبور بوده بخواند» (Daneshvar, 1969, p. 44).<sup>۲</sup> این نفوذ به اندازه‌ای است که دیگری نه تنها به ترویج دین خویش می‌پردازد، بلکه باورهای دینی **خود** ایرانی را خرافات و در نتیجه نافرنگ بشمار می‌آورد: «مدیر داد زد: در این مدرسه خرافات راهی ندارد. روزه و روضه را بگذارید برای عمه‌ها و خاله‌های تان!» (Daneshvar, 1969, p. 133).

باید به این نکته اشاره شود که بازنمایی خود به مثابه نافرنگ از سوی دیگری، به دین محدود نمی‌شود و نمونه‌های دیگری نیز وجود دارند که نشان می‌دهند دیگری غیر ایرانی، ایرانی را نافرنگ و آشوب می‌داند: «مدیر انگلیسی مدرسه:» [این ملت قابلیت تمدن ندارد» (Daneshvar, 1969, p. 262). نادانی، دوری از تمدن و ندانستن آیین و آداب زیستن، گزاره‌هایی هستند برای زاویه‌سازی و بیان دیدگاه دیگری غیر ایرانی نسبت به خود ایرانی که در قالب نقل قول مستقیم بیان شده‌اند.

وابستگی خود به دیگری یکی دیگر از گزاره‌هایی است که به خود نسبت داده شده‌است، این وابستگی آن‌چنان است که غیاب او سبب کسادی می‌شود و این کسادی استدلال‌گفتمان حکومت برای توجیه حضور دیگری است:

• **این روزها [بعد از ملی شدن صنعت نفت و رفتن انگلیسی‌ها]، از رو به راه شدن کار و کاسبی اصلاً خبری نیست.** تو هر قهوه‌خانه که نگاه کنی، دسته‌دسته بیکارها

<sup>۱</sup> در رمان سووشون (صفحه‌های ۱۱ و ۳۷) نیز نمونه‌های مشابهی وجود دارد.

<sup>۲</sup> در صفحه‌های ۳۷ و ۱۶۰ این رمان نیز نمونه‌های مشابهی وجود دارد.

نشسته‌اند و غم کلاف می‌کنند. تصفیه‌خانه خوابیده است. بازار بیشتر کساد شده است و گشنگی دارد به خیلی‌ها زور می‌آورد. (Mahmoud, 1973, p. 231)

• ما مهندس نفت نداریم. اقتصاد ما همین نفت است. اگر لاج بکنند و نفت ما را نخرند ورشکست می‌شویم و حرف‌هایی از این قبیل. (Mahmoud, 1973, p. 134)

دیگری عامل بیماری نیز هست: «طبق کش اولی گفت: ... او بچه‌اش مرض گرفته. همین مرضی که می‌گویند قشون خارجی، نطفه‌اش را تو آب انبار و کیل ریخته ... حسین آقا گفت: «خودشان کم بودند، مرضشان را هم آوردند» (Daneshvar, 1969, p. 31) و به‌طور کلی، حضورش سبب نابودی است:

[یوسف:] به مک‌ماهون گفتم: ... مردم این شهر شاعر متولد می‌شوند اما شماها شعرشان را کشته‌اید. گفتم پهلوان‌هایشان را اخته کرده‌اید. حتی امکان مبارزه هم باقی نگذاشته‌اید که لااقل حماسه‌ای بگویند و رجزی بخوانند... گفتم سرزمینی ساخته‌اید خالی از قهرمان. گفتم شهر را کرده‌اید عین گورستان ... گفتم شما شعر را کشته‌اید، عوضش درشکه‌چی‌ها و جنده‌ها و دلال‌ها چند تا کلمه انگلیسی یاد گرفته‌اند ... (Daneshvar, 1969, p. 18)

همه نمونه‌ها گویای آن اند که دیگری دشمن و ستیزه‌جو است. اگرچه باید توجه داشت که این دیگری دشمن و ستیزه‌جو برساخته مردم ایران است و نه حکومت ایران. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، برجسته‌ترین تقابل مطرح در رمان این دوره تقابل مردم و حکومت<sup>۱</sup> است. تقابلی که با دو زاویه دید متفاوت نسبت به دیگری غیر ایرانی همراه است. در واقع، دیگری غیر ایرانی، گاهی از چنان مرکزیتی برخوردار است که به چندپاره‌شدن خود می‌انجامد. در گفتگوهای یوسف، قهرمان رمان سووشون، و برادرش، خان کاکا، تقابل این دو زاویه دید آشکارا نشان داده می‌شود. خان کاکا، نماینده زاویه دید طبقه حاکم، انگلیسی‌ها را «مهمان» و «صاحب‌اختیار» می‌داند، و از همین موضوع به عنوان استدلالی برای برحق بودن آن‌ها استفاده می‌کند:

[خان کاکا:] داداش، بیخود لاج می‌کنی. هر چه باشد اینها مهمان ما هستند. همیشه که اینجا نمی‌مانند. اگر هم ندهیم خودشان بزور می‌ستانند. از قفل یا مهر و موم انبارهای تو که نمی‌ترسند. بعد هم مفت که نمی‌خواهند. پول می‌دهند. من هر چه در انبارهایم بوده

---

<sup>۱</sup> بسیاری از بخش‌های رمان همسایه‌ها به تقابل مردم و حکومت اختصاص دارد، تقابلی که به مبارزه و در نهایت گرفتار آمدن مردم در چنگال حکومت و زندان و شکنجه می‌انجامد.

چکی فروخته‌ام... هر چه باشد **صاحب اختیار** آن‌ها هستند. (Daneshvar, 1969, p. )

(16)

اما یوسف، نماینده زاویه دید مردم مبارز و استقلال طلب، آن‌ها را «اجنبی» (Daneshvar, 1969, p. ) و «مهمان ناخوانده» می‌نامد: «یوسف گفت: **مهمان ناخوانده** بودنشان تازگی ندارد خان‌کا کا...». (همان) و آن‌ها را عامل گرسنگی همشهری‌هایش می‌داند: «یوسف بتلخی گفت: اما رعیت مرا می‌شود... همشهری‌های مرا می‌شود گرسنه نگهداشت...» (همان). بنابراین، در پاسخ به این پرسش که آیا در بازنمایی‌های رمان‌های تنگسیر، سووشون و همسایه‌ها، میان تقابل‌های خود/دیگری و فرهنگ/نافرنگ همپوشانی وجود دارد یا خیر، باید بگوییم که پاسخ این پرسش از زاویه دید دو گفتمان مردم و حکومت متفاوت است، در حالی که اولی دیگری را نافرنگ می‌داند، دومی او را فرهنگ و خود را نافرنگ برمی‌شمرد.

#### ۴.۳. بازنمایی به واسطه راهکارهای استدلالی

راهکارهای استدلال راهکارهایی هستند برای توجیه یا تردید در باورها و حقانیت‌های هنجاربنیاد بر اساس توپوس‌ها (Reisigl et al., 2009, p. 94). توپوس‌ها «موضوعات بدیهی موردقبول یک اجتماع و قوانین زندگی در هر دوره زمانی خاص‌اند» (Van Der Valk, 2003, p. 319). در این بخش به تحلیل راهکارهای استدلال پیرامون بازنمایی خود و دیگری در رمان‌های منتخب خواهیم پرداخت.

#### ۴.۳.۱. خود ایرانی

توپوس دین‌باوری مهم‌ترین توپوس مطرح در راهکارهای استدلالی برای بازنمایی خود ایرانی در رمان‌های دوره مقاومت است. این توپوس، استدلالی برای پذیرش بی‌سواد و فقر و تسلیم بودن در برابر سرنوشت شوم است: «تا بوده، دنیا همین بوده که هس... **کار خدام که بی حکمت نیس**... اگه همه مردم دنیا آقا باشن پس کی عملگی کنه؟» (Mahmoud, 1973, p. 48) و «اوسا حداد [گفت]... **درس خوندن زیاد، آدمو از دین به در می‌کنه**» (Mahmoud, 1973, p. 190).<sup>۱</sup> این نمونه‌ها نشانگر این باورند که فقیر و بدبختیم زیرا کار خدا بی حکمت نیست و بر اساس باورهای دینی «دنیا زندان مؤمن است. علاوه بر این، نیازی به تلاش برای تغییر و بهبود شرایط نیز نیست زیرا خداوند که دندان داده‌است، خودش نان نیز می‌دهد. درس خواندن نیز اشتباه

<sup>۱</sup> در صفحه‌های ۲۸، ۲۹، ۴۸، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۶۲، ۲۸۹ و ۲۹۰ این رمان نیز نمونه‌های مشابهی وجود دارد.

است زیرا آدمی را از دین دور می‌سازد». اما در کنار این نمونه‌ها که برساختی منفی از توپوس دین‌باوری هستند، نمونه‌هایی نیز وجود دارند که این توپوس را زمینه‌ساز پیدایش روحیه مبارزه و حق‌طلبی و بنابراین توپوسی مثبت معرفی می‌کنند: «غصه نخور پسر... **امام جعفر صادق** زندونی کشید» (Mahmoud, 1973, p. 434).

در بخش‌های قبل اشاره کردیم که خود به سبب فقر اقتصادی و برای رهایی از این مشکل به سرزمین دیگری پناه می‌برد، اما فقر تنها دلیل ترک سرزمین خود نیست، فرار از آشوب سرزمین خود و یافتن امنیت و نیز تحصیل علم و دانش دیگر دلایل پناه بردن به سرزمین دیگری هستند. در واقع، آشوب و نافرنگ بودن سرزمین خود استدلالی است برای ترک آن. می‌توان توپوس مطرح در این استدلال را توپوس وابستگی به دیگری نامید و آن را این‌گونه بیان کرد: «به سرزمین دیگری می‌روم زیرا سرزمین خود نافرنگ است (به دانش بخصوص و نیز نوع خاصی از زندگی دسترسی ندارد)». نمونه‌های زیر گویای این استدلال‌اند: «یوسف رفته بود **فرنگستان** [برای تحصیل: دکتر در اقتصاد فلاحت (سووشون، ۱۲۴)]» (Daneshvar, 1969, p. 77).<sup>۱</sup> حتی گاهی ایرانی برای رهایی از خطر در مرزهای سرزمین خویش، ناگزیر به پرچم دیگری پناه می‌برد: «در دعوی میان کلانترو و مسعود خان دندان طلا، بیشتر خلق خدا، **بیرق انگلیس سر در خانه‌های شان زدند**. تا کسی جرأت نکند خانه‌های شان غارت کند» (Daneshvar, 1969, p. 74).

ملی شدن صنعت نفت، نشانگر توپوس ملی‌گرایی و استدلالی برای مبارزه با حاکمانی که با دیگری غیر ایرانی همسو شده‌اند، است: «مجلس، به خواست توده مردم، لایحه **ملی شدن صنعت نفت** را تصویب کرده است. مردم با چهره‌های برافروخته و لب‌های به خنده نشسته، جابه‌جا دور دسته‌های نوازنده جمع شده‌اند به پای کوبی و دست‌افشانی» (Mahmoud, 1973, p. 211).

بنابراین، «دین‌باوری»، «وابستگی به دیگری و دیگری باوری» و «ملی‌گرایی» توپوس‌های مطرح در بازنمایی خود ایرانی‌اند که اگرچه دو توپوس آخر در تضاد با یکدیگرند، اما کلیت توپوس‌ها نشان‌دهنده آن‌اند که خود به‌مثابه نافرنگ بازنمایی شده‌است.

<sup>۱</sup> در صفحه‌های ۶۰، ۸۹ و ۲۰۶ سووشون، ۶۹، ۸۵ و ۱۷۳ تنگسیر و ۶۴ و ۱۵۰ همسایه‌ها نیز نمونه‌های مشابهی وجود دارد.

#### ۴. ۳. ۲. دیگری غیر ایرانی

تنها توپوسی که در بازنمایی دیگری غیر ایرانی در رمان‌های منتخب مشاهده می‌شود، «خودباوری» اوست. دیگری خود را فرهنگ می‌داند و با این باور که فرهنگ را برای «دیگری ایرانی» آورده است، حضور خود را در سرزمین او توجیه می‌کند:

۹. الف) [زینگر به خان کاکا:] «خدا با شما نعمت می‌دهد. بدهیدش به ما. این نعمت مال همه، مال بشر... شما بلد نبود. شما لازم نیست. ما در آورد. رساند به آن‌ها که لازم شد.» (Daneshvar, 1969, p. 35)

ب) [زینگر در خیال زری:] «خانم‌ها! آقایان! صدقه بدهید. ما تمدن را برای شما پیشکش آوردیم.» (Daneshvar, 1969, p. 259)

ج) [زری به یوسف:] در همان مدرسه انگلیسی... خانم مدیر هی به ما سرکوفت می‌زد که تمدن و آداب معاشرت و آیین زندگی یادمان می‌دهد. زینگر هی سرمان منت می‌گذاشت که فن خیاطی به ما می‌آموزد تا از بازوی خودمان نان دریاوریم. خانم حکیم می‌گفت شفا و دواى شما در دست من است... (Daneshvar, 1969, p. 129)

#### ۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که دیگری غیر ایرانی در رمان‌های این دوره به واسطه راهکارهای ارجاعی، یعنی با نام‌گذاری بر اساس ملیت و ارجاع با ضمائر اشاره، دسته‌بندی شده و ایجاد تقابل ما/آن‌ها کاملاً معنادار است. هر چند ارجاعی که نشانگر نافرنگ دانستن دیگری باشد، وجود ندارد و ارجاع‌ها فقط خارجی بودن او را نشان می‌دهند. مهم‌ترین راهکار زبانی متمایزسازی خود از دیگری راهکار اسنادی است که با تشبیه‌ها و استعاره‌ها به توصیف دیگری می‌پردازد و دیگری را در قامت کنشگری متجاوز و غارتگر، با چهره‌ای منفی بازنمایی می‌کند. با این وجود، نمونه‌هایی از نافرنگ برشمردن دیگری نیز وجود دارد، آن‌جا که گزاره‌های کافر و دین‌نادر به او نسبت داده می‌شود، یعنی او که به دینی خاص تعلق ندارد و در نتیجه نافرنگ است. علت این بازنمایی منفی را باید در حضور تجاوزگرانه دیگری در ایران رمان‌های منتخب دانست. موضوع مهمی که باید به آن اشاره شود این است که اگرچه دیگری دشمن و متخاصم است، اما باید توجه داشت که این دیگری دشمن و متخاصم برساخته مردم ایران است و نه حکومت ایران. از زاویه دید حکومت دیگری قدرتی است که خود به آن وابسته است. برجسته‌ترین تقابل مطرح در رمان‌های این دوره تقابل مردم و حکومت است. تقابلی که با دو زاویه دید متفاوت نسبت به

دیگری غیر ایرانی همراه می‌شود. بنابراین، در پاسخ به این پرسش که آیا در بازنمایی‌های رمان‌های تنگسیر، سووشون و همسایه‌ها، دیگری به مثابه نافرنگ بازنمایی شده است یا خیر، باید بگوییم که پاسخ این پرسش از زاویه دید دو گفتمان مردم و حکومت متفاوت است. این در حالی است که اولی دیگری متجاوز، و البته نه سرزمین او را، را نافرنگ می‌داند، دومی او را فرهنگ برمی‌شمرد. علاوه بر این، خود ایرانی نیز با گزاره‌های منفی مانند فقر، اعتیاد، فساد اخلاقی، باورهای خرافی، بی‌سوادی و وابستگی به دیگری بازنمایی شده است. به گونه‌ای که می‌توان این بازنمایی را نشانگر نافرنگ دانستن خود در رمان‌های این دوره دانست. در واقع، آشوب و نافرنگ بودن سرزمین خود استدلالی برای ترک آن است. همچنین، کلیت توپوس‌ها نیز نشانگر آن اند که خود به مثابه نافرنگ بازنمایی شده است. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در رمان این دوره، تقابل‌های خود/دیگری و فرهنگ/نافرنگ با یکدیگر همپوشانی ندارند، یعنی این گونه نیست که ایرانی رمان‌های این دوره از رمان‌نویسی در ایران، خود را فرهنگ و دیگری را نافرنگ بدانند. این در حالی است که ایرانی، خود را نافرنگ می‌شمرد و دیگری اگر به سرزمینش تجاوز کند، نافرنگ است، هر چند که سرزمینش فرهنگ به شمار می‌آید.

## فهرست منابع

- اسدی، هما و فرهاد ساسانی (۱۳۹۲). «بازنمایی کنشگران اجتماعی در گفتمان سیاست خارجی محمدرضا پهلوی بر اساس مدل اجتماعی-معنایی فان لیوون». *زبان و زبان‌شناسی*. دوره ۹. شماره ۱۸. صص ۳۹-۶۴.
- اطهاری نیک عزم، مرضیه (۱۳۹۲). «نشانه-معناشناسی اجتماعی زن زیادی: حضور «دیگری» برای ساخت معنای زندگی «خود»». *نشانه‌شناسی و نقد ادبیات داستانی معاصر (مجموعه مقالات نقد‌های ادبی-هنری)*، به کوشش لیلا صادقی. تهران: سخن. صص ۲۸۶-۲۶۵.
- پاکتچی، احمد (۱۳۸۵). «گذار از تقابل دوگانه به تعامل چهارگانه در نظام‌های نشانه‌ای باستانی ایران»، در *مجموعه مقالات چهارمین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر*، به کوشش منیژه کنگرانی. تهران: فرهنگستان هنر. صص ۱۳۳-۱۱۳.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۱). «مفاهیم متقابل طبیعت و فرهنگ در حوزه نشانه‌شناسی فرهنگی مکتب مسکو-تارتو». *مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر*، به کوشش فرزانه سجودی. تهران: فرهنگستان هنر، صص ۲۰۴-۱۷۹.
- توروپ، پیتر (۱۳۹۰). «نشانه‌شناسی فرهنگی و فرهنگ». ترجمه فرزانه سجودی، نشانه‌شناسی فرهنگی، به کوشش فرزانه سجودی. تهران: نشر علم، صص ۴۰-۱۷.

- چوبک، صادق (۱۳۸۲). تنگسیر، تهران: نگاه.
- دانشور، سیمین (۱۳۹۳). سووشون، تهران: خوارزمی.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸). «ارتباطات بین فرهنگی: رویکردی نشانه‌شناختی». *نشانه‌شناسی: نظریه و عمل*، به کوشش فرزانه سجودی. تهران: نشر علم. صص ۱۴۲-۱۲۷.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸). «ارتباطات بین فرهنگی: ترجمه و نقش آن در فرایندهای جذب و طرد». *نشانه‌شناسی: نظریه و عمل*، به کوشش فرزانه سجودی. تهران: نشر علم. صص ۱۶۵-۱۴۳.
- سجودی، فرزانه و هاجر آقاابراهیمی (۱۳۹۲). نگاهی نشانه‌شناختی به جایگاه نظام‌های اخلاقی در تعیین مرزهای خود و دیگری در داستان سیاوش فردوسی، هم‌اندیشی نشانه‌شناسی اخلاق (چاپ‌نشده).
- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر نی.
- سنسون، گوران (۱۳۹۰). «خود، دیگری را می‌بیند: معنای دیگری در نشانه‌شناسی فرهنگی». ترجمه تینا امراللهی. *نشانه‌شناسی فرهنگی*، به کوشش فرزانه سجودی. تهران: نشر علم. صص ۱۹۹-۱۵۳.
- سنسون، گوران (۱۳۹۰). «مفهوم متن در نشانه‌شناسی فرهنگی». ترجمه فرزانه سجودی، *نشانه‌شناسی فرهنگی*، به کوشش فرزانه سجودی. تهران: نشر علم. صص ۱۱۸-۷۵.
- شیرازی عدل، مهرناز (۱۳۹۲). «تصویر خود و دیگری در آینده تجدید: بررسی گفت‌وگومندی در کتاب احمد و سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ به مثابه‌ی دو نمونه از نخستین رمان‌های ایرانی». *مجموعه مقالات سومین هم‌اندیشی زبان‌شناسی و مطالعات بینارشته‌ای: مطالعات اجتماعی و فرهنگی زبان*، به کوشش فرهاد ساسانی. تهران: نشر نویسه پاریسی. صص ۲۷۵-۲۴۷.
- طالبی، ابوتراب و ناظری، مریم (۱۳۹۰). «بازنمایی «دیگری فرودست» در رمان‌های دوره پهلوی اول»، *علوم اجتماعی*، دوره ۵۵، شماره ۵۵، صص ۱۷۱-۱۳۱.
- لوتمان، یوری و اوسپنسکی، بی. ای. (۱۳۹۰). «در باب سازوکار نشانه‌شناختی فرهنگ». ترجمه فرزانه سجودی. *نشانه‌شناسی فرهنگی*، به کوشش فرزانه سجودی. تهران: نشر علم. صص ۷۴-۴۱.
- لیونگرگ، کریستینا (۱۳۹۰). «مواجهه با دیگری فرهنگی: رویکردهای نشانه‌شناختی به تعامل بینا فرهنگی». ترجمه تینا امراللهی. *نشانه‌شناسی فرهنگی*، به کوشش فرزانه سجودی. تهران: نشر علم. صص ۱۵۱-۱۱۹.
- محمود، احمد (۱۳۵۳). *همسایه‌ها*. تهران: امیر کبیر.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۸۷). *صد سال داستان‌نویسی ایران*، تهران: نشر چشمه.
- نبوی، یاسمن (۱۳۸۸). *بررسی سرمقاله‌های روزنامه کیهان درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت هفتم و هشتم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۰). *جویبار لحظه‌ها*. تهران: جامی.

## References

- Asadi, H. & Sasani, F (2013). Representation of social actors in foreign policy discourse of Mohammad Reza Pahlavi via Van Leeuwen' socio-semantic model. *Language and Linguistics*, 9 (18), 39-64 [in Persian].
- Athari Nikzmm, M. (2013). Social semio-semantics of *the superfluous woman*: the presence of the other to make the meaning of the life the self. In L. Sadeghi (Ed.), *Semiotics and Criticism of the Contemporary Fiction* (pp. 265-286). Tehran: Sokhan [in Persian].
- Chubak, S. (1963). *Tangsir*. Tehran: Negah [in Persian].
- Daneshvar, S. (1969). *Savushun*. Tehran: Kharazmi [in Persian].
- Hall, S. (1997). *Representation (cultural representations and signifying practices)*. London: Sage Publications.
- Ljungberg, Ch. (2011). Meeting the cultural other: semiotic approaches to intercultural communication. In F. Sojoodi (Ed.), *Cultural Semiotics* (pp. 59-77). Tehran: Elm [in Persian].
- Lotman, J., Uspensky, B. A., & Mihaychuk, G. (2011). On the semiotic mechanism of culture. Translated by Farzan Sojoodi. *Cultural Semiotics* (pp. 41-74). Tehran: Elm [in Persian].
- KhosraviNik, M. (2015). *Discourse, identity and legitimacy: self and other in representations of Iran's nuclear programme*. Britain: John Benjamins publishing company.
- Mahmoud, A. (1973). *The neighbors*. Tehran: Amir Kabir [in Persian].
- MirAbedini, H. (2008). *One hundred years of fiction writing in Iran*. Tehran: Cheshme [in Persian].
- Nabavi, Y. (2009). *A study on Kayhan newspaper editorials about foreign policy of Islamic Republic of Iran in the 7th and 8th presidential periods* (Master's thesis). Alzahra University, Tehran, Iran [in Persian].
- Pakatchi, A. (2006). Moving away from dichotomic contrast to quadruple interaction in the social systems of ancient Iran. In Manizheh Kangarani (Ed.), *The Proceedings of the Fourth Conference of Semiotics* (pp. 113-133). Tehran: Academy of Arts [in Persian].
- Pakatchi, A. (2012). Contrastive concepts of nature and culture in Moscow-Tartu school of cultural semiotics. In F. Sojoodi (Ed.), *the Proceedings of the Fifth Conference of Semiotics* (pp. 179-204). Tehran: Academy of Arts [in Persian].
- Reisigl, M., & Wodak, R. (2009). The discourse-historical approach (DHA). In R. Wodak & M. Meyer (Eds), *Methods of critical discourse analysis* (2<sup>nd</sup> ed., pp. 87-121). London: Sage. [Online]:  
<[https://www.researchgate.net/publication/251636976\\_The\\_Discourse-Historical\\_Approach\\_DHA](https://www.researchgate.net/publication/251636976_The_Discourse-Historical_Approach_DHA)>
- Shirazi Adl, M. (2013). The image of self and other in the mirror of modernity: a study of dialogism in *Ketāb e Ahmad (Ahmad's book)* and *Siāhatname (Travelogue)* by Ebrāhimbeyg as two examples of the first Iranian novels. In Farhad Sasani (Ed.), *the Proceedings of the Third Conferece of Linguistics and Interdisciplinary Studies: Social and Cultural Studies of Language* (pp. 247-275). Tehran: Neveeseh [in Persian].
- Sojoodi, F. (2009). Intercultural communications: a semiological approach. In F. Sojoodi (Ed.), *Semiotics: Theory and Practice* (pp. 127-142). Tehran: Elm [in Persian].
- Sojoodi, F. (2009). Intercultural communications: translation and its role in processes of absorption and exclusion. In F. Sojoodi (Ed.), *Semiotics: Theory and Practice* (pp. 143-165). Tehran: Elm [in Persian].
- Sojoodi, F. and Aghaebrahimi, N. (2013). A semiological study of the role of ethical systems in determining the border between Self and Other in the story of Siyavash in Ferdowsi's epic. In A. Pakatchi (Ed.), *The Proceeding of the 10th Conference of Semiotics: Semiotics of Ethics*. (Unpublished) [in Persian].
- Soltani, A. A. (2005). *Power, discourse and language: the mechanisms of power in the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Ney [in Persian].



- Sonesson, G. (2011). Ego meets alter: the meaning of otherness in cultural semiotics. Translated by Tina Amrolahi. *Cultural Semiotics* (pp. 153-199). Tehran: Elm [in Persian].
- Sonesson, G. (2011). Text in cultural semiotics. Translated by Farzan Sojoodi. *Cultural Semiotics* (pp. 153-199). Tehran: Elm [in Persian].
- Talebi, A., & Nazeri, M. (2011). Representation of “the inferior other” in the novels of the first Pahlavai epoch. *Quartely Journal of Social Sciences*, 55 (55), 131-171 [in Persian].
- Torop, P. (2011). Semiotics of culture and culture. Translated by Farzan Sojoodi. *Cultural Semiotics* (pp. 17-40). Tehran: Elm [in Persian].
- Van Der Valk, I. (2003). Right-wing parliamentary discourse on immigration in France. *Discourse & Society*, 14 (3), 309-348.  
doi: 10.1177/0957 926503014003084.
- Yahaghi, M. J. (2001). *The rivulet of moments (modern Persian literature: a historical survey)*. Tehran: Jami [in Persian].

## Representation of Self and Other in Persian Novels: Tangsir, Savushun and The Neighbors

Niloofer AghaEbrahimi<sup>1</sup>  
Farhad Sasani<sup>2</sup>  
Farzan Sojoodi<sup>3</sup>

Received: 29/04/2017

Accepted: 08/06/2018

### Abstract

This study has been conducted to analyze how Self (Iranian) and the Other (non-Iranian) have been represented in the Persian novels written between 1961 and 1978. The main question of the present research is how Iranians and non-Iranians are represented in the novels of two different periods of fiction writing in Iran?. By answering this question, it would be possible to show whether there is an overlap between the Self/the Other confrontation and culture/nonculture in these Persian novels or not, in other words, if Self has been represented as culture and the Other as non-culture or not. The study of this overlap is important because some nations construe themselves as nature and chaos while others as culture, “Peter the Great and other Russians trying to modernize Russia held this . . . view . . .” (Sonsson, 2000, p. 540). In order to achieve the aims of the research, three novels of the greatest ones written in the era called ‘the era of resistance’ have been selected and studied, including Tangsir by S. Chubak (1963), Savushun by S. Daneshvar (1969) and The Neighbors by A. Mahmoud (1973). Cultural semiotics and Discourse-Historical Approach (DHA) have developed the framework of this paper. Cultural semiotics which has been used since Ernst Cassirer (1923-29) suggested describing certain kinds of sign systems as symbolic forms and claimed that the symbolic forms of a society constitute its culture, offers no method for analyzing data and that is why it’s integrated into DHA, in this research. DHA accentuates historicity in discourse production and comprehension and attempts to incorporate various levels of historical analysis in the contextualization and explication of linguistic analysis (KhosraviNik, 2015: 107). The DHA is three-dimensional: after (1) having

---

<sup>1</sup> PhD candidate of Linguistics, Department of Linguistics, Alzahra University; niloofarebrahimi88@yahoo.com

<sup>2</sup> Associate professor of Linguistics, Department of Linguistics, Alzahra University (Corresponding author); fsasani@alzahra.ac.ir

<sup>3</sup> Associate professor in Linguistics, Faculty of Applied Art, University of Tehran; sojoodi@art.ac.ir

identified the specific contents or topics of a specific discourse, (2) discursive strategies are investigated; then (3), linguistic means (as types) and the specific, context-dependent linguistic realizations (as tokens) are examined (Reisigl and Vodak, 2009: 93). The DHA focuses on the following main research agenda: Referential Strategies, Predicational Strategies, Argumentation Strategies, Perspectivization and Intensification, mitigation. Referral strategies are tools for naming and categorizing actors, objects, processes, etc., and include referenced names, specific names, metaphor, and verbs and nouns which are used to refer to the process and actions. Predicational strategies determine the discursive quality of actors, objects, phenomena, events, processes, and actions by means of stereotypical evaluative descriptions of negative or positive attributes in the form of attributes, appositions, prepositional phrases, relative clauses, infinitive clauses, collocations, similes, metaphors, metonymies, exaggerations, euphemisms, allusions, implications and so on. Argumentative Strategies justify or raise doubt about the beliefs through Topoi. The results of this research show that in *Tangsir*, *Savushun* and the *Neighbors*, the Other (Non-Iranian), through referential strategies and by naming based on his nationality, is distinguished from the Self (Iranian). Also there is no reference to represent the Other as nonculture. Even when he is called alien and foreigner, it is only his foreignness which is topicalized, and there is no sign of regarding him as nonculture. In these novels, the most important linguistic strategy to distinguish the Self from the Other is the predicational strategy through which the Other is described by similes and metaphors and represented negatively. This study showed that the Other had such a prominent position in the semiosphere of Iran in 1961-1978, that it has led to an opposition between people and the establishment. One of the most important features of *Tangsir*, *Savushun* and the *Neighbors* is representing the contradictions between Iranians themselves and the confrontation between people and the establishment is the most important. This opposition is one of the most important aspects of the representations of Self in the selected novels. From the peoples' perspective the Other is an enemy who is constructed, for instance, as colonial power and pirate but from the perspective of the establishment the Other is represented as a power which the Self's economy is heavily dependent on. It should be mentioned that the Self does not consider the Other to be totally culture or nonculture, the Self sometimes goes to the Other's land to gain culture, but when the Other invades Self's country, he is a colonist and infidel, maybe nonculture, and he should be expelled from the country. Believing in the Other, the fear of the Other and obedience to the Other form the topoi of government, while nationalism and the struggling form the topoi of people. Although people – as well as government - believe in the Other's land "not in an invader Other" they look for culture there. Finally, based on the results of this study, in the selected novels, Self is represented through negative predications, especially by perspectivization and expressing what the Other thinks about the Self, therefore there is no overlap between the two mentioned oppositions, Self/Other and culture/non-culture, and Self is not represented as culture and vice versa.

**Keywords:** Persian Novel, the Self/the Other, Culture/Nonculture, Cultural Semiotics, Discourse Historical Approach